



جامعه‌شناسی

گام به گام

دکتر عباس محمدی اصل



سرشناسه	محمدی اصل، عباس، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	جامعه شناسی گام به گام
مشخصات نشر	تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی الماس دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۶۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۸۹-۱۱۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	فپای مختصر
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شمار کتابخانه	۳۷۹۷۱۴۵

انتشارات الماس دانش	مرکز پخش:
تلفن: ۶۶۴۹۳۷۵۳	پخش علوم و فنون ایران
	تلفن: ۰۹۱۲۶۸۶۹۸۳۳-۶۶۹۶۸۰۵۸
ناشر	مؤسسه فرهنگی انتشارات الماس دانش
عنوان کتاب	جامعه شناسی گام به گام
نویسنده	دکتر عباس محمدی اصل
طراح جلد	علیرضا گشتایی ۰۹۱۲۸۳۸۴۸۷۱
ویراستار	کاظم زرین
چاپ	جباری-۷۷۶۰۸۳۲۴
شمارگان	۱۰۰ جلد
نوبت چاپ	اول-۱۳۹۵
قیمت	۹۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۸۹-۱۱۳-۷

کلیه حقوق و حق چاپ متعلق به ناشر است.
جلد و عنوان کتاب با نگرش به جامعه شناسی
حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و همزمان
مصوب ۱۳۴۸ محفوظ است و متخلفین
تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۷
مقدمه.....	۱۱
فصل ۱: فرهنگ و جامعه پذیری.....	۳۷
فصل ۲: خویشاوندی و خانواده.....	۶۱
فصل ۳: فن و بازار.....	۷۹
فصل ۴: سیاست و سازمان.....	۹۳
فصل ۵: دین و ایمان.....	۱۰۹
فصل ۶: قشربندی و سلسله مراتب.....	۱۲۷
فصل ۷: انحراف و تغییر.....	۱۳۷
جمع بندی.....	۱۵۳
منابع.....	۱۶۱

سخنی با خواننده

ز روزگار حذر کن ز کردگار بترس
و گرت بر همه آفاق دسترس باشد
جو روزگار برآشت و کردگار گرفت
زوال دولت تو در یکی نفس باشد
نه کردگار به تدبیر خلق کار کند
نه روزگار به فرمان هیچکس باشد

ادیب صابر ترمذی

کتاب حاضر درصدد است مفاهیم مقدماتی جامعه‌شناسی راجع به جامعه (Society) را عرضه کند که مورد توافق اکثر جامعه‌شناسان است. روش بیان این مفاهیم متکی به چهارچوب نظام اجتماعی (Social System) است تا بر این اساس امکان منظم ساختن داده‌های متنوع جامعه‌شناسی فراهم آید. مع‌هذا این انتظام فقط به نوعی مشخص از نظام‌های تبیینی جامعه‌شناختی عنایت ندارد. ممکن است به‌نظر رسد چهارچوب نظام اجتماعی از وجه ساختی-کارکردی برخوردار باشد؛ لیکن واقعیت آن است که اگر بپذیریم دیدگاه‌های تضادگرا نیز به کار تبیین ساختی-کارکردی ستیزه و تغییر اجتماعی

مشغول‌اند، در این صورت می‌توانیم مفاهیم مورد توجه این دیدگاه‌ها را هم در همین چهارچوب دسته‌بندی و بیان کنیم و در پی بنا نهادن دیدگاهی جامع از این رهگذر برآییم.

انسجامی که در متن کتاب دنبال می‌شود، مانع از آن نیست که انطباق‌گیری مفاهیم با واقعیت عینی مورد ارزیابی قرار نگیرد. احتمالاً نگاه به همین رفعت است که سبب می‌شود چهارچوب نظام اجتماعی از انگارش نظم فراتر رود و انگارش انبساطی را هم پوشش دهد. در اینجا نظریه ابزاری است که ضمن تنسيق مفاهیم، صاف نیل به توضیح واقعیت است و غیر از ارزیابی انسجام درونی، هدفی بی‌نفس به‌شمار نمی‌آید. این در حالی است که به واسطه اتکای مناسبات اجتماعی بر جریان نه‌دیردازی، چنین رویکردی قادر خواهد بود بر سمت و سوی کنش‌ها و تعادلات در بخش‌های اجتماعی هم مؤثر افتد و در صورت پیروز بیرون آمدن از میدان آزمون، غطای اصلاحات اجتماعی، حقیقت خود را به منصفه ظهور رساند.

داده‌های بینشی-روشی گسترده‌ای برای مفهوم‌پردازی نظام اجتماعی مصرف شده است. این داده‌ها نه‌تنها از جامعه‌شناسی که از سایر حوزه‌های معرفتی نظیر انسان‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ و علوم سیاسی و فراهم آمده است. باین‌همه چنین مفاهیمی به‌نحو معشوش به انبان ذهن سرازیر نمی‌شوند؛ بلکه حول محور نظریه نظام اجتماعی انتظام یافته و به شکل

تصویری ذهنی درآمده و آن گاه بینشی معین و نسبتاً جامع را نه تنها از واقعیت اجتماعی که از ذهنیات متفکران اجتماعی نیز به ذهن متبادر می‌سازند.

این سازمان‌دهی آموزشی برای هدایت روند یادگیری مفاهیم مقدماتی جامعه‌شناختی البته می‌تواند مورد موافقت قرار نگیرد. مع‌هذا بدون برداشتن چنین گامی، امکان ابطال‌پذیری آن فراهم نشده و شیوه‌های دیگری هم به ذهن نمی‌آید. مضافاً آن که مایه ساختن و پرداختن دیدگاهی تازه از مفاهیم موجود در این کتاب فراهم است و اگر بنا مورد پسند نیست، اما معماری با مصالح آن اجتماع‌شنایر می‌نماید؛ اگر که در این میان بنا و مصالح و معمار مورد شناسایی کامل قرار گرفته باشند. از این‌رو این کتاب حتی درصدد شکل دادن به تفکر نبوده و بلکه بیشتر خواهان تغذیه آزاد افکار و باز گذاشتن دست صاحبان اندیشه در کسب نگاه‌های منظم از واقعیت اجتماعی است. در این حال احتمالاً هوش به‌جای حافظه فعال می‌شود و کسب بینش تحلیلی راجع به جامعه‌شناسی جایگزین تکرار دیدگاه‌های عالمان این حوزه می‌گردد. صعوبت چنین نگاهی هم اما البته با حلاوت طرح سؤالات جدید جبران می‌شود و یادگیری را غنا می‌بخشد.

ع. س. محمدی اصل

دانشگاه علامه طباطبائی

گون ضمیر آنکه از این خوان گونه‌روشن
وار بجز از استخوان نداشت قسمت همای
گر بُد به عدل سیر فلک، پشه ضعیف
قدرت به گوشمالی پیل دمان نداشت

پروین اعتصامی

جامعه‌شناسی مانند هر علم دیگر متکی به نظریه و روش است. نظریه، مشاهدات متنوع را در قالب قنایات انزاعی خلاصه می‌کند و از روابط احتمالی پدیده‌ها خبر می‌دهد؛ اما روش، شیوه صورت‌بندی فرضیه و آزمون آن از طریق گردآوری فازغ از ارزش داده‌ها و تحلیل روابط سازگاری است. از این لحاظ، نظریه به واسطه کاربرد روش، رشد و تراکم می‌یابد و روش به تکای نظریه، کارآمد می‌شود.

جامعه‌شناسی با این ویژگی‌های علمی به مطالعه گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های اجتماعی، مناسبات اجتماعی و فرایندهای نظم و تغییر اجتماعی می‌پردازد. محور کانونی مباحث جامعه‌شناسی اما همان گروه اجتماعی است. ما در گروه خانواده متولد می‌شویم؛ استعدادهای مان را در عضویت و تعامل گروهی

به بار می‌نشانیم؛ مسائل اجتماعی نظیر بزهکاری، تبعیض، آموزش و جنگ را در قالب مناسبات سازمانی گروه‌های اجتماعی تجربه می‌کنیم؛ حفظ نظم گروهی را از طریق برنامه‌های سیاسی شاهدیم و تغییر اجتماعی را محصول تعارض منافع و تعلقات گروهی می‌یابیم. مشارکت در سازمان‌های گروهی به ما آرمان، باور و هدف می‌دهد و همین مشارکت است که جامعه‌شناسی را به ارزشمندی زندگی گروهی و مطالعه سازمان یافته آن معطوف می‌کند.

جامعه‌شناسی با این سیاق، تجربه زندگی اجتماعی را در قالب مفاهیم انتزاع می‌سازد. انتظار به شیء به مفاهیم نیز برای فهم نظم امور ضرورت دارد. در این تلاش البته همه واقعیت اجتماعی آشکار نمی‌شود؛ زیرا علاوه بر پیچیدگی واقعیت، این مفاهیم مجموعی منتخب از آن را برمی‌گزینند و از همین رو شایسته اصلاح و تکامل می‌گردند. ساده‌سازی در قالب نظریه گرد می‌آیند و گزاره‌هایی آزمون‌شده راجع به زندگی ارائه می‌دهند که البته قابل‌سنجش و ابطال نیز هستند.

علوم دیگر نیز به رفتار انسانی می‌پردازند. مثلاً روان‌شناسی شخصیت راجع به رفتار فردی صحبت می‌کند و معتقد است شخصیت محصول تعامل فرد با دیگران اعم از پدر و مادر و برادر و خواهر و معلم و دوست و سایر می‌باشد. روان‌شناس اما به نتیجه این تعامل نظر دارد و نه خود تعامل. حتی هنگامی که او به مطالعه تأثیر شرایط اجتماعی بر فرایندهای شخصیتی نظیر تکوین باور

عمومی از دل رفتارهای جمعی می‌پردازد؛ قدمی فراتر از روان‌شناسی اجتماعی نمی‌گذارد.

اگر گروه را مجموعه‌ای از تعاملات اجتماعی بدانیم؛ جامعه‌شناس صرفاً بر موضوع تعامل فی‌نفسه متمرکز می‌شود. دو نفری که با هم تعامل دارند می‌دانند طرف مقابل، گوشت و پوست و استخوان صرف نیست؛ بلکه از گرمایش و انتظار و شناخت برخوردار است و لذا هر کنشی به انتظار واکنشی محتمل صورت می‌گیرد. کنش هر فرد از این لحاظ هم برای خودش و هم برای دیگری معنی‌دار است. دانش‌مندی رفتار البته برای تبیین آن کفایت نمی‌کند؛ زیرا دریافت صور و برابری جمعی این پدیده در اشکال علی یا همایند، به این منظور ضروری است.

گروه، چیزی بیش از روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی علاوه بر آن که میان اشخاص جریان دارد، می‌تواند میان اشخاص و گروه‌ها و حتی خود گروه‌ها نیز واقع شود. روابط اجتماعی از این قابلیت برخوردار است که در چهارچوب هر گروه یا میان آن‌ها به اشکال دوستانه و خصمانه با هم باران و سبقت‌جویانه درآید و باین‌حال، ساخت گروهی را متأثر نکند. به‌علاوه هر یک از همه گروه‌ها متضمن روابط اجتماعی‌اند؛ اما همه روابط اجتماعی، گروه‌ساز نیستند. گروه هنگامی پایدار می‌ماند که تعاملات پیوسته آن بر تعاملات گسسته‌اش غلبه یابد و به‌عبارتی علیرغم وجود تعارضات فردی اما همیاری برای رسیدن به اهدافی مشترک عمده شود. بر همین اساس می‌توان اعضای گروه را از غیراعضای آن

بازشناخت؛ زیرا در قالب روابط گروهی، اعضاء به وظایف و حقوقی دست می‌یابند که غیراعضاء فاقد آن‌اند. این تکالیف، قواعد رفتاری در گروه را تشکیل می‌دهد و به شکل هنجاری بر تعاملات اعضاء با یکدیگر و هم‌چنین با غیراعضاء نظارت می‌کند.

همچنین، قواعد گروهی بسیار شکننده‌اند. مثلاً همیاری می‌تواند پس از تحقق اهداف پایان یابد یا تعاملات آن بنا به تصمیم قبلی، صوری باشد یا برخی اعضاء، تکالیف را جان‌تر بگیرند. در همه این موارد، تغییر روابط به دگرگونی و یا حتی نفی گروه منجر می‌گردد. به علاوه، این روابط اجتماعی حاکم میان گروه‌ها است که در بسا موارد، روابط درونی آن‌ها را حتی در شکل ناخودآگاه رقم می‌زند. احساس تعلق گروهی و داشتن اهداف مشترک نیز بنا به همین مناسبات گروه‌ها دچار تحول شده یا نفی می‌گردد.

گروه مرکب از چند نفر آدم است؛ اما هنگامی که شخصیت این آدمیان، استعداد خود را در قابلیت عضویت گروهی متبلور سازد، می‌توان از مناسبات گروهی سخن گفت. همین امر سبب می‌شود آدمیان بتوانند به عضویت گروه‌های متعدد درآیند و از این رهگذر، نقش‌ها و پایگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی بیابند. بنابراین گروه مفهومی انتزاعی است که کنش‌های اعضاء را نمایش می‌دهد و تعاملات آن‌ها با یکدیگر را در عرصه ایفای مشارکتی نقش‌ها تشریح می‌کند و از نسبت چنین پویایی با تحقق اهداف مشترک پرده برمی‌گیرد. به علاوه گروه می‌تواند حتی در غیاب حضور فیزیکی اعضاء دوام

بیاورد یا برخی گروه‌ها علیرغم عدم امکان حضور مستقیم، صرفاً نقش مرجع را برای اعضای دور از دسترس ایفا نمایند. انتزاعی بودن مفهوم گروه بدان معنا است که حتی اگر همه اعضای آن جمع آیند؛ باز هم نمی‌توان به‌جز نگاهی اعتباری بر آن انداخت. در این صورت مشاهدات مدیری لازم است که تعاملات و اهداف مشترک اعضای گروهی را بنمایاند و گاه ممکن است توجه به اعضای ناشی‌ای یا رنجیده‌خاطر از مناسبات گروهی، مشاهده‌گر را به نبود گروه راضی سازد.

جامعه‌شناسی به آدمیان هم‌چون اعضای مشارکت‌کننده در نظام تعاملات اجتماعی می‌نگرد و این‌گونه گروه را به‌عنوان نقطه کانونی تحلیل خویش برمی‌گزیند؛ زیرا گروه در برگزیده‌های انضایی است که به‌مانند اشخاصی موافق و در قالب نظام اجتماعی به تعارض می‌توانند و می‌توان تعامل آن‌ها را از پویش نظام کلان کنش اجتماعی متمایز ساخت.

شایان توجه است که گروه‌ها علاوه بر بزرگی و کوچک بودن اندازه، می‌توانند از تقسیمات درونی نیز برخوردار باشند. نسبی گروهی، حیطه‌های عضویت را مستعد این تقسیم‌بندی‌ها می‌کند. به‌عبارت دیگر، ترکیب نقش‌های متفاوت هرچند برای تحقق اهداف مشترک گروهی ضروری است؛ لیکن همین تفاوت‌ها عامل شکل‌گیری و تکوین هسته‌هایی درون گروهی می‌شود که از حیث نقش‌ها و پایگاه‌های گروهی، نزدیک‌تر و مشابه‌ترند. گاهی اضافه‌شدن اعضای جدید به گروه نظیر ورود زن دوم به‌عنوان همسر جدید خانواده هم

می‌تواند مجموع مناسبات گروه را دگرگون کند. در گروه‌های رسمی نیز امکان بروز خطوط تفکیک و تکوین خرده‌گروه‌های غیررسمی وجود دارد و همین امر مدیریت سازمانی را به تعمق و کنترل هنجارها و قواعد گروه‌های غیررسمی در راستای حفظ بهره‌وری می‌کشاند.

هنجارهای گروهی نیز از این منظر به‌منزله ملاک‌های ذهنی و الگوهای عینی حاکم بر حدود رفتار نمودار می‌شوند تا باید و نبایدهای معطوف به هم‌نوایی و هم‌نوایی ناهم‌نوایی تعاملات جمعی را فاش کنند. پذیرش درونی هنجار با نظارت انتظارات دیگران تکمیل می‌گردد و جاری شدن سلوک در این بستره مشترک به بقای حیات گروهی بازمی‌گردد. هنجارها چگونگی رفتار را در همه جلوه‌ها و اجزاء پوشش نمی‌دهد و این حیث، هر کنش منحصر به فرد به نظر می‌آید و گاه در نتیجه تفسیر سادگی وضعیتی از سوی فاعل و ناظر کنش می‌تواند بر حسب انحراف دریافت دارد یا نه این، ناهنجاری به واسطه پایگاه فاعل و ناظر کنش به‌منزله هنری ارزشمند جلوه نماید. سمات عملی هم‌نوایی هنجاری در مکانیسم‌های تنبیه و پاداش گروهی تبلور می‌یابد. مثلاً تنبیه هنجاری از نقض دوستی و کاهش منزلت تا داغ و درفَس و تنوع می‌جوید و پاداش هنجاری از تشویق و تأیید تا دریافت امتیازات مادی و معنوی مصداق می‌یابد. بدیهی است که بر این بنیان اعضای برون‌گروه‌ها از شمول هنجارهای درون‌گروه‌ها مستثنایند.